

مختار نامه عطار نیشابوری
باب بیست و پنجم: در مرانی رفیقان

فهرست مطالب

- شماره ۱: آن ماه که از کنار شد بیرونم ۳
- شماره ۲: ماهی که چو برق کم بها آمده بود ۴
- شماره ۳: کس بر سر حیون رقی جود باز ۵
- شماره ۴: پیان خاک گشت آن چشمه نوش ۶
- شماره ۵: دوا که کلم میان گلزار بریخت ۷
- شماره ۶: ماهی که چو مهر عالم آراسی افتاد ۸
- شماره ۷: آه از غم آن که زود برگشت و برفت ۹
- شماره ۸: میکريم ازان موشم و میکريم ۱۰

- شماره ۹: ای دل بگری بر من مسکین و مپرس
۱۱
- شماره ۱۰: دی بر سر خاک دلبری بادل ریش
۱۲
- شماره ۱۱: ای ماه زین به برج افلاک شدی
۱۳
- شماره ۱۲: ای پشت بداده رفته هم روز نخت
۱۴
- شماره ۱۳: بر خاک تو چون بتشمام سرد بر
۱۵
- شماره ۱۴: رفقی و مرا خار شکستی در دل
۱۶
- شماره ۱۵: ای کرده شب باز پسین ماتم خویش
۱۷
- شماره ۱۶: رفقی تو و خون جگریست از تو مرا
۱۸
- شماره ۱۷: ای نور رخت خاک سیه بگرفته
۱۹
- شماره ۱۸: چون گریه من ابر بهاری نبود
۲۰

- شماره ۱۹: ای محرم من کیست کنون محرم تو
۲۱
- شماره ۲۰: بر خیر که ابر خاک را بشوید
۲۲
- شماره ۲۱: از مرگ تو هر دمی دگر کون باشم
۲۳
- شماره ۲۲: گل سیرخ گلزنک تو خاریست مرا
۲۴
- شماره ۲۳: گفتم همه عمر ناز نیت مینم
۲۵
- شماره ۲۴: کو کس که دل از مرگ تو خون میکند
۲۶
- شماره ۲۵: بی روی تو دماه سیاهی آمد
۲۷
- شماره ۲۶: نگاه چون به راه میآوردی
۲۸
- شماره ۲۷: از ناز چه سود چون بودی آخر
۲۹
- شماره ۲۸: جان را چو ز رفیق تو آگاهی شد
۳۰

- شماره ۲۹: تا خاک تو گشت غم کسارم بی تو
۳۱
- شماره ۳۰: از کفر بتر بی تو غنودن مارا
۳۲
- شماره ۳۱: در خاک ترا وطن نمیدانستم
۳۳
- شماره ۳۲: تا چند کشم زمرگ تو درد از تو
۳۴
- شماره ۳۳: در داکه بر چون سمنت میریزد
۳۵
- شماره ۳۴: ای آن که به گل، گل چمن پوشیدی
۳۶
- شماره ۳۵: در ماتم تو چرخ سیه پوش باند
۳۷
- شماره ۳۶: از مرگ تو فاش گشت رازم چکنم
۳۸
- شماره ۳۷: ای رفته و مارا به هلاک آورده
۳۹

- شماره ۳۸: از کریه زار ابر گل تازه و پاک ۴۰
- شماره ۳۹: بس زود به مرگ کردی آهنگ آخر ۴۱
- شماره ۴۰: زین پس ناید ز دیدگانم دیدن ۴۲
- شماره ۴۱: چون مردن تو از پی این زادن بود ۴۳
- شماره ۴۲: رفیق توبه خاک و یاسمن بی تو رسید ۴۴
- شماره ۴۳: گل خندان شد ز کریه ابر بهار ۴۵
- شماره ۴۴: روزی که ز خاک من برون آید خار ۴۶
- شماره ۴۵: جانار فتم بر دل پاکم بگری ۴۷

شماره ۱: آن ماه که از کنار شد بیرونم

آن ماه که از کنار شد بیرونم	در ماتم او کنار شد بیرونم
دوشش دیدم به خواب در، خفته به خاک	گفتم: چونی گفت: چه گویم چونم

شماره ۲: ماهی که چو برق کم بها آمده بود

چون رفت چنین زود چرا آمده بود	ماهی که چو برق کم بها آمده بود
من میگویم خود ز کجا آمده بود	هر کس گوید کجا شد آن دیتیم

شماره ۳: کس بر سر حیون ر قمی جوید باز

کس بر سر حیون ر قمی جوید باز	وز کسه قارون د مچوید باز
گر مرد کسیت چند جویی بازش	از دریائی که شنمی جوید باز

شماره ۴: پیمانۀ خاک گشت آن چشمۀ نوش

پیمانۀ خاک گشت آن چشمۀ نوش	وان چشمۀ خورشید با ستاد ز جوش
مانندۀ مرغ نیم بسل بدریغ	نختی بطیید و عاقبت گشت خموش

شماره ۵: دردا که کلم میان گلزار بریخت

وز باد اجل بزاری زار بریخت	دردا که کلم میان گلزار بریخت
بشفت کل و کل من از بار بریخت	این درد دلم با که بگویم که بهار

شماره ع: ماهی که چو مهر عالم آرای افتاد

ماهی که چو مهر عالم آرای افتاد	تا هر کس را به مهر اورای افتاد
دی شد و میکشد موی اندر پای	و امروز چو موی گشت و از پای افتاد

شماره ۷: آه از غم آن که زود برگشت و برفت

آه از غم آن که زود برگشت و برفت	بگذشت چنانکه باد بردشت و برفت
چون گل به جوانی و جهان نادیده	بگذشت خزار دود و بگذشت و برفت

شماره ۸: میکريم ازان موشم و ميکريم

میکريم ازان موشم و ميکريم	شکر چوبش میچشم و ميکريم
خانگی که بدو رسید روزی قدمش	در دیده خود میکشم و ميکريم

شماره ۹: ای دل بکری بر من مسکین و مپرس

ای دل بکری بر من مسکین و مپرس	بنیراری کن ز جان شیرین و مپرس
کان خفته خاک من بخوابم آمد	گفتم: چونی گفت که مبین و مپرس

شماره ۱۰: دی بر سر خاک دلبری بادل ریش

دی بر سر خاک دلبری بادل ریش	میباریدم خون جگر بر رخ خویش
آواز آمد که چند گریه بر ما	بر خویش گری که کار داری در پیش

شماره ۱۱: ای ماه زمین به برج افلاک شدی

ای ماه زمین به برج افلاک شدی	یارب که چه پاک آمدی و پاک شدی
ناخورده در آتش جوانی آبی	چون باد در آمدی و بر خاک شدی

شماره ۱۲: ای پشت بداده رفته هم روز نخست

ای پشت بداده رفته هم روز نخست	بر خیز که این گریه ابر از غم تست
تا ابر بهار خاک پای تو بشت	بر خاک تو سبزه همچو خط تو بوست

شماره ۱۳: برخاک تو چون بتشهام سرد بر

بر خاک تو چون بتشهام سرد بر	پیرک گلت چو حلقه ماندم برد
کر از سر خاک تو بگردانم روی	باد از سر خاک تو حاکم بر سر

شماره ۱۴: رفقی و مرا حار شکستی در دل

رفقی و مرا حار شکستی در دل در دیدنی اگر چه هستی در دل
بر خاک تو بر خاست دل پر خونم کز دیده بر رفقی و نشستی در دل

شماره ۱۵: ای کرده شب باز پسین ماتم خویش

ای کرده شب باز پسین ماتم خویش	گل کرده، زمین ز دیده پر غم خویش
در راحت و رنج غمگسارم تو بدی	چون تو بشدی با که بگویم غم خویش

شماره ۱۶: رفتی تو و خون جگریست از تو مرا

رفتی تو و خون جگریست از تو مرا	جان بر لب و دل پر خطریست از تو مرا
یک موی ندارم که نه آغشته است	بر هر مویی نوحه گریست از تو مرا

شماره ۱۷: ای نور رخت خاک سیه بگرفته

ای نور رخت خاک سیه بگرفته وز مرک تو آفتاب و مه بگرفته
وین عالم چون عجزه فانی را از آرزوی تو دوزخ بگرفته

شماره ۱۸: چون کریه من ابر بهاری نبود

چون ناله من ناله بزاری نبود	چون کریه من ابر بهاری نبود
در شهر به صد هزار خواری نبود	چون من ز غم مرک تو ای یار عزیز

شماره ۱۹: ای محرم من کیست کنون محرم تو

ای محرم من کیست کنون محرم تو بیم است که خود را بکشم از غم تو
خود از دل ماتم زده چو ماتم گفتم کو ماتم خود داشت در ماتم تو

شماره ۲۰: بر خنیر که ابر خاک را می‌شوید

بر خنیر که ابر خاک را می‌شوید تا سبز ز خاک تو برون می‌روید
ای خفته اگر سخن می‌گوئی تو این خاک تو کوئی که سخن می‌گوید

شماره ۲۱: از مرگ تو هر دمی دگر کون باشم

از مرگ تو هر دمی دگر کون باشم که بر سر خاک و گاه در خون باشم
روزیت ندیدم بجای آمدی چندین گاهست ندیدم چون باشم

شماره ۲۲: گل بیرخ کمرنگ توخاریست مرا

گل بیرخ کمرنگ توخاریست مرا	چشم از غم تو چو چشمه ساریست مرا
بیروی تو ای روی به خاک آورده	آشفته دلی و روزگار یست مرا

شماره ۲۳: کفتم ہمہ عمر ناز نینت ینم

کفتم ہمہ عمر ناز نینت ینم
امروز چه کونہ در ز مینت ینم
ای د دل خاک خفته خون کرده دلم
کی دانستم که این چنیت ینم

شماره ۲۴: کوکس که دل از مرگ تو خون میکند

تن نیز ز نوحه سرنگون میکند	کوکس که دل از مرگ تو خون میکند
چون سبزه خطی سبز برون میکند	از خاک چو سبزه سرنگون کرد بسی

شماره ۲۵: بی روی تو در ماه سیاهی آمد

مرکت به جوانی و پگاهی آمد	بی روی تو در ماه سیاهی آمد
رفتی نه چنان که باز خواهی آمد	خفتی نه چنان نیز که بر خواهی خاست

شماره ۲۶: نگاه چورخ به راه میآوردی

نگاه چورخ به راه میآوردی	بهر چه خط سیاه میآوردی
دردا که به کرد خط تو خاک گرفت	خطی که به کرد ماه میآوردی

شماره ۲۷: از ناز چه سود چون بسودی آخر

از ناز چه سود چون بسودی آخر	بی شمع شبی چون نغمودی آخر
اکسوز به کفن در نغمودی در خاک	رفتی و تو کوی که بسودی آخر

شماره ۲۸: جان راجوز رفتن تو آگاه‌هی شد

جان راجوز رفتن تو آگاه‌هی شد دل در سر ناله سحرگاه‌هی شد
کو آن همه دولت تو ای گنج زین کی دانستی که این چنین خواهی شد

شماره ۲۹: تاحاک تو کشت غم کسارم بی تو

تاحاک تو کشت غم کسارم بی تو بس خون که ز دیده میبارم بی تو
از روی چو گلبرگ و خط سبز تو ماند برگ گل و سبز یادگارم بی تو

شماره ۳۰: از کفر تبری تو غمخودن مارا

آخر ز تو گفتن و شنودن مارا	از کفر تبری تو غمخودن مارا
بی روی تو نیست روی بودن مارا	ای روی چوماه کرده در خاک سیاه

شماره ۳۱: در خاک ترا وطن نمیدانستم

در خاک ترا وطن نمیدانستم	وان ماه تو در کفن نمیدانستم
میدانستم که بی تو نتوانم زیست	بی روی تو زیستن نمیدانستم

شماره ۳۲: تاچند کشم زمرک تودرداز تو

وزینه آتشین دم سرداز تو	تاچند کشم زمرک تودرداز تو
چون بردم رنج خاک بر خورداز تو	ای چشم و چراغ کو که تدبیرم چیت

شماره ۳۳: دردا که بر چون سمنت میریزد

دردا که بر چون سمنت میریزد زلفیه پر شکنت میریزد

ای سی و دو ساله من آخر بنگر کان سی و دو دراز دنت میریزد

شماره ۳۴: ای آن که به گل، گل چمن پوشیدی

ای آن که به گل، گل چمن پوشیدی

در زیر زمین مشک ختن پوشیدی

دی از سرناز سپهرن پوشیدی

و امروز به خاک در، کفن پوشیدی

شماره ۳۵: در ماتم تو چرخ سیه پوش بماند

ارواح ز فرقت تو مدّهوش بماند	در ماتم تو چرخ سیه پوش بماند
وان بلبل کو یای تو خاموش بماند	در داکه گل نازکت از شخ بریخت

شماره ۳۶: از مرگ تو فاش گشت رازم چکنم

از مرگ تو فاش گشت رازم چکنم	چون تو بشدی من به که نازم چکنم
ای جان و دلم! بسوختی جان و دلم	من بی تو کجا روم چه سازم چکنم

شماره ۳۷: ای رفته و مارا به هلاک آورده

ای رفته و مارا به هلاک آورده	وان سرو بلند در مخاک آورده
بر خاک تو ما ستاب میتابد و تو	آن روی چو ماه را به خاک آورده

شماره ۳۸: از کریه زار ابر، گل تازه و پاک

از کریه زار ابر، گل تازه و پاک	خندان بد میدامن خود زده چاک
زان میکريم چو ابر بر خاک توار	تا بگو که چو گل شفته کردی از خاک

شماره ۳۹: بس زود به مرگ کردی آهنگ آخر

بس زود به مرگ کردی آهنگ آخر کو بی رفتی هزار فرسنگ آخر
از ناز خود جهان میکنجیدی چون کنجیدی در حد تنگ آخر

شماره ۴۰: زین پس ناید ز دیدگانم دیدن

زین پس ناید ز دیدگانم دیدن	بی روی تو تیره شد جهانم دیدن
جایی که تو بودهایم نکه میکنم	من جای تو بی تو چون توانم دیدن

شماره ۴۱: چون مردن تو از پی این زادن بود

چون مردن تو از پی این زادن بود	برخاستن تو عین افتادن بود
از بهر چه بود این همه جان کندن تو	چون عاقبت کار تو جان دادن بود

شماره ۴۲: رفتی توبه خاک و یاسمن بی تورسید

رفتی توبه خاک و یاسمن بی تورسید گل نیز، دیده پیرمن، بی تورسید
گلزار شود خاک تو از خون دلم کبر بر کویم آنچه به من بی تورسید

شماره ۴۳: گل خندان شذر کرید ابر بهار

گل خندان شذر کرید ابر بهار	باما نشین یک نفس ای سیم عذار
بندیش که چون بسر شود مارا کار	بسیار به خاک مافرو گری زار

شماره ۴۴: روزی که ز خاک من برون آید خار

روزی که ز خاک من برون آید خار گلبرگ رخم چو خاک ره کرد و خوار
بگری بگری بر سر خاک من زار کو ای همه خاک کشته کو آن همه کار

شماره ۴۵: جانار فتم بر دل پاکم بکری

جانار فتم بر دل پاکم بکری	بر جای سیاه سمنانم بکری
ای گل! چو شدم به خاک، تو نیز مینمندی	وی ابر بسی بر سر خانم بکری